

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم
بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده
شهر اسن آلمان

حاجی زرنگی

سر ما حاجی کرده کُلتنگی
به مثل ببر و گفتار و پلنگی
نوشته از فراق و سوز هجران
به وصل گلرخان انداخته چنگی
سروده نقدک مرچ و نمکدار
که داره با من بیچاره جنگی
سپاه طبع خود آماده کرده
به دست هریکی، توپ و تفنگی
عجائب کودتا و انقلابی
نموده حضرت حاجی زرنگی
گهی رفته به صحرا پشت مجنون
گهی از مهر لایلا خورده سنگی
نوشته طعنه با تلوار گفتار
به روی صفحه تدبیر تنگی
ولاکن تیغ حرفش، سوی بنده
ز پندش جام ما، پر از شرنگی
ندانم از چه با من لج نموده
نژنگ و ینگ منگش بوده ونگی

به هر شهری که رفتم ، نیز رفته
به همراهی شراب و چرس و بنگ
نموده میلِ پودر ، بی تحمل
چو تریاکی ، بسی لنگان و لنگ
گهی شیخ و گهی مفتی و قاضی
گهی صوفی و گه ملا ملنگ
چه آهنگِ بدیعی ، ساز کرده
به رقص آورده دل بی تار و چنگ
ولاکن ، شاعرِ شیوا بیانست
نوشته پاسخم را ، بی درنگ
ردیف و قافیه از ما گرفته
بیکوبیده همه را در اونگ
خمیرش کرده با دستِ صداقت
زواله های چیده ، بر تبنگ
تنورِ وحدتی ، آتش نموده
ز غیرت پخته نان و آشِ ننگ
به رویِ سفره فرهنگ ، چیده
که نوشِ جان کند ، هر شوخ و شنگ
و خود ناخورده ، بسکه مست گشته
گرفته بیل و خفته در پشنگ
خبر شد تا ، ز جریان ، خامه من
به جولان آمد و ، قی کرد رنگ
وطن گم کرد و ، چون ما در بدر شد
اجیرِ مفتی ، در ملکِ فرنگ
بیا « نعمت » سرودِ عشق سرکن
نه حرفِ مفت و زشت و نه جفنگ